

www.csr.ir

بانک جهانی سوخت هسته‌ای:

موانع و چشم‌اندازها

سید جواد امام‌جمعه‌زاده*

زهره دولت‌خواه**

چکیده

نگرانی‌های جامعه جهانی در دوران بعد از جنگ سرد در مورد اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در جهان و احتمال قاچاق مواد و فناوری‌های غنی‌سازی و بازفرآوری توسط گروه‌های غیردولتی، تلاش جدی برای اتخاذ اقدامات مؤثر بین‌المللی را به دنبال داشت. در این رابطه، نقش کشورهای هسته‌ای برخوردار از قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در شکل‌دهی به مقررات و هنجارهای بین‌المللی بیش از پیش قابل ملاحظه است. این گروه از کشورها ضمن حفظ انحصار هسته‌ای خود درصدد برآمدند تا با استفاده از موقعیت بین‌المللی، تمایل جامعه جهانی برای طرح پیشنهادات مختلف به منظور تشکیل بانک جهانی سوخت با هدف تضمین عرضه بین‌المللی سوخت هسته‌ای به کشورهای فاقد چرخه سوخت را بیش از پیش افزایش دهند. تلاش و لابی گسترده کشورهای هسته‌ای برای ترغیب کشورها به عدم توسعه توانمندی‌های تولید سوخت بومی از طریق ارائه جایگزین‌های متعدد در نهایت با تصویب تشکیل بانک سوخت از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۱۰ به نتیجه رسید. در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن بررسی زمینه‌های تشکیل بانک بین‌المللی سوخت هسته‌ای، موانع و چشم‌اندازهای آن نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

چرخه سوخت بومی، فناوری غنی‌سازی و بازفرآوری، بانک جهانی سوخت، رژیم عدم اشاعه، سازوکارهای تضمین عرضه سوخت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

Email: Javademam@yahoo.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

Email: Zahra.dolatkah@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۰۶

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۵/۱۲

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۲ / بهار ۱۳۹۱ / صص ۵۴-۲۷

مقدمه

تمایل روزافزون دولت‌ها برای دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای بنا به دلایل متعدد همچون کسب اعتبار بین‌المللی، کسب منافع قابل توجه مالی و اقتصادی حاصل از فروش اورانیوم در بازارهای بین‌المللی، تولید برق هسته‌ای بدون هرگونه وابستگی به سایر کشورها و در موارد استثنایی دستیابی به سلاح هسته‌ای به عنوان عامل بازدارنده در مقابل تهدیدات خارجی، در نهایت کشورهای هسته‌ای را در پیگیری سازوکاری برای تضمین عرضه بین‌المللی سوخت هسته‌ای به منظور جلوگیری از دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به فناوری چرخه سوخت جدی‌تر ساخت.

طرح‌های پیشنهادی محمد البرادعی، مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سپتامبر ۲۰۰۳ و جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در فوریه ۲۰۰۴، طرح گروه کارشناسان آژانس در فوریه ۲۰۰۵، طرح «ابتکار عمل تهدید هسته‌ای»^(۱)، طرح ۶ کشور (فرانسه، آلمان، هلند، روسیه، انگلستان و آمریکا) در مه ۲۰۰۶ و نیز طرح هر یک از کشورهای آلمان، ژاپن، انگلستان، روسیه برای تشکیل مرکز بین‌المللی سوخت هسته‌ای، نگرانی

کشورهای غیرهسته‌ای در خصوص آینده تأمین امنیت انرژی در صورت چشم‌پوشی از چرخه سوخت هسته‌ای و واگذاری تأسیسات ملی در قبال بهره‌مندی از سوخت بین‌المللی را افزایش داد.

گستره تعهدات کشورهای دریافت‌کننده سوخت در هر یک از طرح‌های پیشنهادی موجب شد تا کشورهای غیرهسته‌ای نسبت به وجود انگیزه‌های سیاسی برای محدود کردن حق غیرقابل انکار کشورهای غیرهسته‌ای در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مطابق ماده ۴ معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای موسوم به NPT اظهار تردید نمایند. به همین دلیل، طرح‌ها و سازوکارهای پیشنهادی کشورهای هسته‌ای برای ایجاد مرکز بین‌المللی عرضه سوخت و تضمین عرضه با استقبال چندانی از سوی کشورهای دریافت‌کننده سوخت روبه‌رو نشده است؛ چراکه به اعتقاد آنها، رفتار کشورهای هسته‌ای با حقوق هسته‌ای کشورها به ویژه حقوق مندرج در معاهده ان‌پی‌تی همواره رفتاری دوگانه، سیاسی و تبعیض‌آمیز بوده است. در حقیقت، این گروه از کشورها در هر برهه‌ای از تاریخ تلاش نموده‌اند تا با ارائه طرح‌ها و پیشنهادات متعدد و نیز ارائه تفسیری خاص از مفاد معاهده عدم اشاعه

نقطه مقابل نظریه اسکات ساگان، نظریه کنت والتز^۳ قرار دارد که نوعی نگاه خوشبینانه به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای محسوب می‌گردد.

کنت والتز از جمله نظریه‌پردازان مکتب نوواقع‌گرایی است که اعتقاد به سودمندی اشاعه سلاح‌های هسته‌ای دارد. وی نظریه «اشاعه سلاح‌های هسته‌ای: بیشتر می‌تواند بهتر باشد»^۴ را که یکی از بحث‌انگیزترین استدلال‌های مربوط به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است در اوایل دهه ۸۰ میلادی مطرح کرد. والتز که در نظریات خود تأکید بر عوامل ساختاری نظام بین‌الملل دارد، همانند واقع‌گرایان، دولت را به عنوان بازیگر اصلی نظام بین‌الملل و قدرت را، محور اصلی دیدگاه‌های خود معرفی کرده است. بنابراین سطح تحلیل نظریه نوواقع‌گرایی، نظام بین‌الملل بوده و در واقع، این ساختار نظام بین‌الملل است که نوع و قواعد بازی را مشخص می‌کند.

والتز در تحلیل خود، طرفدار «اشاعه» هسته‌ای است و معتقد است واحدها یا کشورها در نظام بین‌المللی هیچ راهی ندارند جز اینکه به دنبال اقداماتی برای تأمین

سلاح‌های هسته‌ای در جهت محروم کردن کشورهای غیرهسته‌ای از حقوق هسته‌ای خود گام بردارند. به ویژه آنکه تصویب ایجاد مرکز بین‌المللی عرضه سوخت هسته‌ای توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۱۰ تلاش‌ها و فشارهای بین‌المللی برای ترغیب جدی کشورهای غیرهسته‌ای برای استفاده از سوخت بین‌المللی را بیش از پیش افزایش خواهد داد.

۱- چارچوب نظری پژوهش

آنچه در میان کلیه نظریه‌های روابط بین‌الملل همچون واقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌نگاری و مکتب انتقادی، لزوم تأسیس بانک جهانی سوخت هسته‌ای را از لحاظ تئوریک بهتر از سایر نظریه‌ها تبیین می‌کند، نظریه واقع‌گرایی است که دارای نحله‌های فکری متعددی نیز می‌باشد. در مجموع، در چارچوب نظریه واقع‌گرایی دو جریان خوشبینانه و بدبینانه نسبت به مسئله اشاعه هسته‌ای وجود دارد. اما در میان کلیه نحله‌های فکری این مکتب، موضوع تأسیس بانک جهانی سوخت هسته‌ای بیشتر قابلیت تبیین^۱ با نگاه بدبینانه به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (نظریه اسکات ساگان^۲) دارد. در

امنیت خود باشند. نتیجه این خواهد شد که کشورها برای افزایش امنیت خود و بازداشتن دشمنان بالقوه، به دنبال سلاح هسته‌ای باشند. به اعتقاد والتز، اشاعه تدریجی سلاح‌های هسته‌ای بر صلح و امنیت بین‌الملل اثر مثبت دارد. البته وی ادعا نمی‌کند که سلاح‌های هسته‌ای به کار نخواهند رفت، اما هسته اصلی استدلال وی این است که تحصیل این قبیل سلاح‌ها از سوی کشورهای کوچک، دنیا را ویران نمی‌کند. بلکه این قدرت‌های هسته‌ای دیرین هستند که نظام بین‌الملل را تهدید می‌کنند. ولی در مورد اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیز معتقد است که کشورهای کوچک باید به تدریج نه به سرعت سلاح هسته‌ای به دست آورند. اگرچه والتز با در نظر گرفتن تغییرات ناشی از پایان جنگ سرد، نظریه خود را تغییر داده، ولی استدلال مبنایی او تغییر نکرده است. به علاوه، این عقیده را که اشاعه سلاح هسته‌ای به کشورهای دیگر می‌تواند به ثبات بیشتری بینجامد، عده‌ای مورد حمایت قرار داده‌اند. جان مرشایمر^۵ نیز در پایان جنگ سرد در برابر اشاعه هسته‌ای در برخی شرایط، رویکرد مشابهی اتخاذ کرد. این نظر، مورد مخالفت هواداران نظریه «بیشتر،

می‌تواند بدتر باشد» قرار گرفت (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، جلد دوم، ص ۹۶۴). در نقطه مقابل، دیدگاه‌های اسکات دی. ساگان وجود دارد که معتقد است والتز و مرشایمر «خوشبین‌های اشاعه هسته‌ای» هستند و به طور کلی اشاعه سلاح‌های هسته‌ای موجب بی‌ثباتی منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. به نظر «بدبین‌های اشاعه هسته‌ای» منطق عدم اشاعه بهتر از منطق بازدارندگی هسته‌ای است چراکه بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند با شکست مواجه شود اما در مقابل، اشاعه هسته‌ای به جنگ هسته‌ای دارای پیامدهای فاجعه‌بار منتهی خواهد شد. به باور ساگان، مناسب‌ترین راه پیش‌رو برای مقابله با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، پیگیری جدی‌تر معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است که به واسطه کاهش تقاضای کشورهای موجب تقویت هرچه بیشتر رژیم جهانی عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای می‌شود (Carranza, 2006, p.492).

در مجموع، به اعتقاد نظریه‌پردازان مخالف اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، اشاعه این قبیل سلاح‌ها می‌تواند خطرات ناشی از کاربرد آنها در عرصه بین‌المللی را به هر شکل ممکن افزایش دهد. این نوع نگرش در

تأسیس بانک جهانی سوخت هسته‌ای در کنار سایر ترتیبات بین‌المللی نظیر رژیم کنترل صادرات هسته‌ای^۶، رژیم کنترل فناوری موشکی^۷، ترتیبات واسنار برای کنترل صادرات اقلام حساس نظامی^۸ و ... پایه‌های رژیم بین‌المللی عدم اشاعه را بیش از پیش تقویت نمایند.

۲- پیشینه تاریخی طرح ایده بانک سوخت

پس از پایان جنگ جهانی دوم، تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد محدودیت در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای آغاز گردید. "گزارش کنترل بین‌المللی انرژی اتمی"^۹ که عموماً تحت عنوان گزارش آپسون - لیلینتال^{۱۰} شناخته می‌شود، توسط کمیته‌ای تحت نظارت دولت وقت امریکا در سال ۱۹۴۶ به رشته تحریر درآمد و روش‌های احتمالی کنترل بین‌المللی سلاح‌های هسته‌ای و جلوگیری از وقوع جنگ هسته‌ای در آینده را مورد بررسی قرار

کنار تلاش کشورهای هسته‌ای برای تداوم انحصار هسته‌ای خود، مبنای فکری تلاش‌های جهانی در حوزه عدم اشاعه قرار گرفته است. دیدگاهی که با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) و نگرانی بین‌المللی از دسترسی گروه‌های غیردولتی به سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی حامیان و طرفداران بیشتری یافته است. با توجه به افزایش فزاینده نگرانی‌ها از دستیابی گروه‌های غیردولتی و شبکه‌های غیرقانونی قاچاق مواد هسته‌ای دارای کاربرد دوگانه به سایر کشورها پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، به نظر می‌رسد سیاست‌های هسته‌ای و خلع‌سلاحی کشورهای هسته‌ای به سمت محدود ساختن دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به مواد و فناوری هسته‌ای در حرکت است. از همین روست که تشکیل بانک جهانی سوخت هسته‌ای اقدامی هماهنگ و منسجم از سوی کشورهای هسته‌ای با هدف اعمال محدودیت‌های بیشتر بر کشورهای غیرهسته‌ای به بهانه احتمال اشاعه روزافزون سلاح‌های هسته‌ای در آینده و به تبع آن، گسترش ناامنی، بی‌ثباتی و تضعیف صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌گردد. به ویژه آنکه کشورهای هسته‌ای تلاش دارند با

6. Nuclear Export Controls Regime

7. The Missile Technology Control Regime (MTCR)

8. Wassenaar Arrangement on Export Controls of Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies

9. Report on the International Control of Atomic Energy

10. Acheson - Lilienthal

داد. گزارش توسط کمیته انرژی اتمی به ریاست دین آچسون و دیوید لیلینتال تهیه

گردید و بخش اعظم آن توسط رابرت اوپنهایمر^{۱۱} به نگارش درآمد. پیشنهاد و طرح اصلی گزارش بر تأسیس یک رکن بین‌المللی همانند سازمان ملل متحد، برای نظارت بر مواد اتمی و تجهیزات تولید انرژی اتمی تأکید داشت.

دولت ایالات متحده بار دیگر در سال ۱۹۴۶ طرح دیگری را تحت عنوان "طرح باروخ"^{۱۲} ارائه داد که توسط مشاور سیاسی برنارد باروخ به رشته تحریر درآمده بود. این طرح در نخستین جلسه "کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل متحد"^{۱۳} در ژوئن ۱۹۴۶ مطرح گردید. طرح مذکور آشکارا درصد

بیان این مطلب بود که آمریکا انحصار سلاح‌های هسته‌ای خود را تا زمان تحقق عملی کلیه ابعاد این طرح حفظ خواهد کرد. متعاقب طرح این ایده، اتحاد جماهیر شوروی، طرح باروخ را رد کرد و آمریکا نیز متقابلاً با طرح ارائه‌شده توسط شوروی مخالفت کرد. به گفته برونو پلاد، معاون مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی

در امور پادمان‌ها، ایده بانک سوخت در سال ۱۹۵۷ توسعه یافت.

امریکا در سال ۱۹۵۳ طرح "اتم برای صلح"^{۱۴} را ارائه کرد. آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت امریکا در سخنرانی مورخ ۸ دسامبر ۱۹۵۳ خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام داشت:

"اختصاص سهم مشترکی از ذخایر اورانیوم طبیعی و مواد شکافت‌پذیر امریکا و شوروی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایجادکننده روش‌هایی خواهد بود که به واسطه آن مواد شکافت‌پذیر برای پیگیری صلح‌آمیز بشر ذخیره می‌گردد" (Lavoy, 2003).

طرح «اتم برای صلح»، زمینه تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و متعاقب آن، ایده ایجاد بانک اورانیوم را به عنوان گام‌هایی در راستای ایجاد اعتماد بین‌المللی و آغاز گفتگوها پیرامون کنترل تسلیحات فراهم نمود. در نهایت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ تأسیس شد. اولویت کنگره امریکا از سال ۱۹۵۳ به بعد، عرضه مستقیم مواد هسته‌ای به هم‌تایان خارجی خود از طریق انعقاد توافقنامه دوجانبه بود، بدین معنا که این کشور با عبور

11. Robert Oppenheimer

12. Baruch Plan

13. United Nations Atomic Energy Commission (UNAEC)

14. Atoms for Peace

گرفت. مطالعه آژانس بر روی "مرکز منطقه‌ای چرخه سوخت"^{۱۸} از سال ۱۹۷۷ اشاره به اهمیت سوخت مصرفی داشته است. ارزیابی و بررسی چرخه سوخت رسماً توسط دولت کارتر در اکتبر ۱۹۷۷ آغاز گردید و بیش از ۵۰۰ کارشناس از ۴۶ کشور جهان در آن مشارکت نمودند. شورای حکام آژانس متعاقباً زمینه تشکیل "کمیته تضمین عرضه"^{۱۹} در سال ۱۹۸۰ جهت بررسی نگرانی‌های مشابه را فراهم کرد. این کمیته مسئول بررسی مسئله چندملیتی نمودن چرخه سوخت بود که البته فعالیت آن به دلیل عدم دستیابی به اجماع پیرامون مسائل مطرحه در سال ۱۹۸۷ رسماً به حالت تعلیق درآمد (Lavoy, 2003).

تا این مرحله به نظر می‌رسد که کلیه ایده‌ها و طرح‌های مطرحه توسط کشورها پیرامون چرخه سوخت هسته‌ای و تشکیل بانک سوخت به نتایج مهم و قابل توجهی منجر نشده و هیچ یک از ایده و طرح‌ها شکل عملیاتی به خود نگرفته است. در ادامه به بررسی طرح‌ها و ایده‌های پیشنهادی افراد و کشورها به صورت انفرادی و گروهی و میزان تأثیر هریک از آنها در شکل‌گیری بانک

از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اعمال پادمان‌های خود، اقدام به معامله با کشورها می‌نمود. آشکار بود که به کار گرفتن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان بانک مواد هسته‌ای در دوران جنگ سرد با موفقیت همراه نبوده است.

موضوع ایجاد بانک بین‌المللی سوخت پس از چند دهه سکوت، سرانجام در نتیجه تلاش هند و پاکستان برای دستیابی به فناوری‌های هسته‌ای جهت تولید سلاح‌های اتمی و نیز فعالیت هسته‌ای برخی کشورها از جمله آرژانتین، آفریقای جنوبی و برزیل بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گزینه‌های بیشتری برای توسعه "چرخه سوخت ضد اشاعه"^{۱۵} مورد بررسی قرار گرفت. در اواخر دهه ۱۹۷۰، "برآورد بین‌المللی چرخه سوخت هسته‌ای"^{۱۶} مطالعاتی را در رابطه با مدیریت سوخت هسته‌ای مصرفی انجام داد. "گروه کاری ۱۷"^{۱۶} زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی را در مورد مدیریت سوخت مصرفی منتشر نمود که در آن ذخیره موقتی سوخت مصرفی به عنوان گامی مهم در چرخه سوخت هسته‌ای مورد شناسایی قرار

بین‌المللی سوخت هسته‌ای پس از گذشت حدود دو دهه پرداخته می‌شود.

۳- آثار تحولات بین‌المللی بر تغییر رویکردها به چرخه سوخت هسته‌ای

با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و بروز تهدیدات امنیتی جدید مبنی بر ظهور بازیگران غیردولتی به عنوان بازیگران جدید بین‌المللی در کنار دولت‌ها و احتمال افزایش اقدامات تروریستی هسته‌ای در خاک آمریکا و متحدانش به یک باره مسئله عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای اهمیت بسیاری یافت، تا جایی که این موضوع در راهبرد هسته‌ای آمریکا از آن تاریخ تاکنون به نحو چشمگیری انعکاس یافته است.

پیامدهای روانی حاصل از احتمال افزایش تهدیدات امنیتی و هسته‌ای به واسطه گسترش فعالیت شبکه‌های قاچاق همانند شبکه عبدالقدیرخان برای عرضه غیرقانونی مواد و فناوری‌های حساس هسته‌ای دارای کاربرد دوگانه در بازار سیاه و امکان بهره‌برداری گروه‌های تروریستی از مواد و فناوری‌های هسته‌ای برای انجام اقدامات و حملات هسته‌ای در نقاط مختلف جهان به همراه فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی و خروج این کشور از معاهده عدم

اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، آمریکا و متحدانش را نسبت به ضرورت تقویت هرچه بیشتر سیاست‌ها و راهکارهای عدم اشاعه مصمم‌تر نمود.

نگرانی آمریکا از تهدیدات هسته‌ای جدید، این کشور را برآن داشت تا در چارچوب سیاست‌های جدید هسته‌ای با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها نیز مخالفت نماید. موفقیت کشوری همانند جمهوری اسلامی ایران در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای و تبدیل شدن آن به الگویی برای سایر کشورهای منطقه و جهان از جمله نگرانی‌های عمده و مهم دولت وقت آمریکا بود. از آنجا که برخورداری ایران از برنامه‌ها و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای به هیچ‌وجه در تعارض با معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نبود، هرگونه عدم برخورد با این کشور می‌توانست سیاست‌های عدم اشاعه آمریکا در سراسر جهان را با شکست جدی مواجه سازد.

طی این سال‌ها، تحولات متعددی همچون دستیابی کره شمالی به بمب اتم و خروج این کشور از معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، دستیابی ایران به چرخه سوخت هسته‌ای به رغم محدودیت‌های

۴- رویکردهای چندجانبه به چرخه سوخت هسته‌ای

۴-۱- طرح پیشنهادی محمد البرادعی

محمد البرادعی، مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۰۳، رویکردهای سه‌گانه‌ای را با هدف محدود ساختن فرآوری مواد دارای کاربرد تسلیحاتی (پلوتونیوم جدا شده و اورانیوم با غنای بالا) در چرخه غیرنظامی سوخت هسته‌ای مطرح نمود. این رویکردها عبارت‌اند از:

- کنترل و نظارت چندجانبه بر کلیه تأسیسات بازفرآوری و غنی‌سازی؛
 - توسعه فناوری‌های هسته‌ای جدید به منظور عدم تولید مواد شکافت‌پذیر دارای کاربرد تسلیحاتی؛
 - مدیریت سوخت مصرفی و زباله‌های رادیواکتیو.
- هدف البرادعی از ارائه رویکردهای چندجانبه، ایجاد سازوکاری غیرسیاسی و غیرتبعیض‌آمیز برای بهره‌مندی کشورهای پایبند به تعهدات پادمانی از چرخه سوخت هسته‌ای است و اینکه هیچ یک از دولت‌ها نباید از حقوق مصرح خود در معاهده عدم اشاعه هسته‌ای محروم گردند. البرادعی در چارچوب جدید پیشنهادی خود بر دستیابی

فراوان، تلاش لیبی برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و خرید و تهیه تجهیزات فراوان از شبکه مخفی عرضه این تجهیزات و موضوع کره جنوبی و مصر در حد بسیار محدود، سؤالات بسیاری را پیرامون عملکرد نظام پادمان آژانس پدید آورد. در نتیجه این تحولات، مباحث جدیدی در مورد اینکه نظام فعلی پادمان از جمله پروتکل الحاقی توانایی جلوگیری از اشاعه را ندارد و راهکارهای جدیدتری برای این موضوع نیاز است، بالا گرفت (حسینی، ۱۳۸۶، صص ۵۱۲-۵۱۱).

این مسئله امریکا و متحدانش را برآن داشت تا در چارچوب اقدامی انفرادی یا مشترک نسبت به ارائه طرح‌هایی اقدام کنند که ضمن حمایت از دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برای تولید برق هسته‌ای، از هرگونه انحرافی در فعالیت‌های هسته‌ای کشورها ممانعت به عمل آوردند. با وجود این، رویکردهایی که متعاقب این تحولات توسط اشخاص مطرح بین‌المللی و نیز کشورها و نهادها ارائه گردید، به رغم تفاوت ظاهری، همگی بر اعمال محدودیت بیشتر در دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به فناوری‌های حساس غنی‌سازی و بازفرآوری و به طور کلی چرخه سوخت بومی تأکید داشتند.

به نوعی توافقنامه جهت نظارت چندجانبه بر فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری و نیز پیگیری توافقنامه‌ای دیگر به منظور نظارت چندجانبه بر کلیه تأسیسات موجود به جای نظارت ملی تأکید دارد (International Atomic Energy Agency, 2009).

گروه کارشناسان منتخب البرادعی متشکل از نمایندگان ۲۶ کشور بودند که مسئولیت بررسی چرخه سوخت هسته‌ای و رویکردهای چندجانبه را طی ۷ ماه برعهده داشتند. آنها حاصل یافته‌های خود در مورد چرخه جهانی سوخت غیرنظامی هسته‌ای را به صورت گزارشی در قالب ۵ رویکرد مهم جهت تقویت نظارت بر مواد حساس هسته‌ای و فناوری‌های اشاعه منتشر ساختند که از جمله این رویکردها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ◆ تقویت سازوکارهای بازار تجاری موجود برمبنای مورد به مورد و از طریق موافقتنامه بلندمدت و ترتیبات شفاف عرضه‌کنندگان با حمایت و پشتیبانی دولت؛
- ◆ توسعه و اجرای تضمین‌های بین‌المللی عرضه با مشارکت آژانس؛
- ◆ ترویج تبدیل داوطلبانه تأسیسات موجود به رویکردهای هسته‌ای چندجانبه و پیگیری آنها به عنوان تمهیدات اعتمادساز با مشارکت

کشورهای غیرهسته‌ای و هسته‌ای عضو ان‌پی‌تی و نیز اعضای خارج از این معاهده؛

- ◆ ایجاد پیمان‌ها و توافقنامه‌های داوطلبانه، چندجانبه و به ویژه منطقه‌ای برای تأسیسات جدید برمبنای مالکیت مشترک؛
- ◆ سناریوی گسترش هرچه بیشتر انرژی هسته‌ای در سراسر جهان مستلزم توسعه چرخه سوخت هسته‌ای از طریق ترتیبات چندجانبه - در منطقه یا قاره - و نیز همکاری بیشتر با حضور آژانس و جامعه بین‌المللی است.

در مجموع، نتیجه کلی حاصل از گزارش مذکور این بود که کشورها با توجه به مشوق‌ها و بازدارنده‌های اقتصادی و سیاسی پیشنهاد شده توسط این ترتیبات، در ترتیبات چندجانبه حضور و مشارکت خواهند داشت (International Atomic Energy Agency, 2005).

در سپتامبر سال ۲۰۰۶، کنفرانسی با حمایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت عنوان "چارچوب جدید برای بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در قرن ۲۱: تضمین‌هایی برای عرضه و عدم اشاعه" برگزار شد و در آن پیشنهادها در رابطه با ارائه تضمین‌های

20. "New Framework for the Utilization of Nuclear Energy in the 21st Century: Assurances of Supply and Non-Proliferation"

دریافت کننده سوخت، امکان تأمین نیازهای آنها فراهم آید (Rauf, 2007).

۴-۲- طرح پیشنهادی روسیه

ولادیمیر پوتین در ژانویه ۲۰۰۶، طرح "زیربنای جهانی انرژی هسته‌ای" را مطرح نمود، طرحی که دربرگیرنده چهار نوع همکاری از جمله ایجاد مراکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم؛ مراکز بین‌المللی برای بازفرآوری و ذخیره سوخت هسته‌ای مصرفی؛

مراکز بین‌المللی برای آموزش کارمندان تأسیسات برق هسته‌ای؛ و تلاش بین‌المللی برای انجام تحقیقاتی در خصوص فناوری انرژی هسته‌ای ضد اشاعه بود. مراکز بین‌المللی چرخه سوخت باید تحت مالکیت و مدیریت مشترک اداره گردند. این مراکز می‌توانند براساس اقدامات مشترک تجاری (بدون تأمین مالی دولتی) از طریق هیئت مدیره مشورتی متشکل از دولت‌ها، صنایع و متخصصان آژانس فعالیت نمایند. بر این اساس، آژانس فاقد هرگونه حق رأی در این هیئت مدیره بوده، اما می‌تواند با ایفای نقش مشورتی، کلیه تعهدات مرتبط با عرضه سوخت را تضمین نماید.

سوختی مورد بررسی قرار گرفت. در همین رابطه، آژانس در ژوئن ۲۰۰۷ گزارشی در مورد گزینه‌های تضمین سوخت به جلسه شورای حکام جهت تجزیه و تحلیل پیشنهادهای مختلف ارائه داد (International Atomic Energy Agency, 2007).

با توجه به این گزارش، یک چارچوب بالقوه برای تضمین عرضه سوخت هسته‌ای می‌تواند دارای سه مرحله باشد که عبارت‌اند از:

- تقویت سازوکارهای بازار تجاری عرضه سوخت.
 - تعهدات مورد حمایت عرضه‌کنندگان در مورد عدم لحاظ‌انگیزه‌های سیاسی برای عرضه در صورتی که معیارهای عدم اشاعه معرفی و رعایت گردد.
 - ذخیره فیزیکی (طبیعی) مواد اورانیوم با غنای پایین.
- گزارش بر داوطلبانه بودن مشارکت در این ترتیبات تأکید دارد؛ چراکه معتقد است در این صورت پیشرفت بیشتری حاصل خواهد شد. از آنجا که این گزارش هنوز توسط شورای حکام آژانس مورد مذاکره و گفتگو قرار نگرفته، لذا ضرورت دارد گزینه‌های بیشتری مورد بررسی قرار گیرد تا با ارائه گزینه‌های مناسب به کشورهای

کشورهای دریافت‌کننده براساس پیشنهاد پوتین، خدمات چرخه سوخت دریافت می‌کنند، با این تفاوت که از دسترسی به فناوری‌های حساس به جهت انحصار آن توسط دولت عرضه‌کننده محروم خواهند ماند. از میان چهار طرح پیشنهادی پوتین تنها مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم و ایجاد ذخیره اورانیوم با غنای پایین در آنگارسک^{۲۲} تحقق یافته است. روسیه اقدامات مهم دیگری همچون ایجاد یک مرکز عالی برای پرسنل امور هسته‌ای در اوبننسک^{۲۳} و مشارکت فعال در تلاش‌های تحقیقاتی مشترک در خصوص "راکتورهای سریع"^{۲۴} همانند "پروژه بین‌المللی در مورد راکتورهای ابتکاری هسته‌ای و چرخه سوخت"^{۲۵} انجام داده است (Congressional Research Service, 2011, p.19)

۴-۳- طرح پیشنهادی شش کشور

دولت‌های فرانسه، آلمان، هلند، روسیه، انگلستان و امریکا در مه ۲۰۰۶ طرحی را در راستای ارائه سازوکار چندجانبه برای دسترسی مطمئن به سوخت هسته‌ای مطرح نمودند. براساس این طرح، الزامی برای چشم‌پوشی دولت‌ها از غنی‌سازی و بازفرآوری

وجود ندارد، اما هرگونه مشارکت در آن محدود به دولت‌هایی خواهد شد که اخیراً توانمندی‌های غنی‌سازی و بازفرآوری نداشته‌اند. طرح ۶ دولت به دنبال سازوکار حمایتی چندلایه برای تضمین عرضه اورانیوم با غنای پایین جهت سوخت هسته‌ای است. این سازوکار حمایتی شامل موارد زیر می‌گردد:

(۱) روابط تجاری عرضه بنا به دلایلی غیر از عدم اشاعه متوقف می‌گردد.

(۲) دولت دریافت‌کننده یا عرضه‌کننده می‌تواند برای درخواست حمایت و پشتیبانی عرضه، همکاری نزدیکی با آژانس داشته باشد.

(۳) آژانس از هرگونه بروز توقف در عرضه به دلایل فنی و تجاری (به منظور جلوگیری از سقوط بازار) ممانعت به عمل می‌آورد، مشروط بر آنکه دولت دریافت‌کننده شرایط زیر را دارا باشد:

- دولت دریافت‌کننده باید توافقنامه جامع پادمان و پروتکل الحاقی را اجرا نماید.
- دولت دریافت‌کننده باید به معیارهای بین‌المللی حفاظت فیزیکی و ایمنی هسته‌ای بپیوندد.
- دولت دریافت‌کننده نباید فعالیت‌های حساس چرخه سوخت را پیگیری نماید.

22. Angarsk
23. Obninsk
24. Fast Reactors
25. International Project on Innovative Nuclear Reactors and Fuel Cycle - INPRO

سریع برای جلوگیری از ایجاد هرگونه وقفه در عرضه سوخت به دریافت کنندگان عمل نماید. در واقع، آژانس به واسطه فهرستی از توانمندی‌های عرضه سوخت توسط هر دولت (که هر ساله به روز می‌گردد) و نیز وجود بانک خدمات (Front-end) چرخه سوخت (از اورانیوم طبیعی تا تولید سوخت) قادر خواهد بود تا عرضه سوخت به دولت‌های دریافت کننده را پیش از توقف کامل عرضه تسهیل نماید. دولت‌هایی که از نظر شورای حکام آژانس نسبت به تعهدات عدم اشاعه پایبند هستند، می‌توانند در این طرح مشارکت نمایند (Congressional Research Service, 2011, p.21).

۴-۵- طرح پیشنهادی انگلستان

انگلستان طرحی را در مورد تضمین سیاسی عدم مداخله در نقل و انتقال قراردادهای تجاری سوخت تحت عنوان "تضمین سوخت هسته‌ای"^{۲۷} ارائه کرده است. این طرح برای نخستین بار در گزارش نخست‌وزیر انگلستان با نام "گذر به ۲۰۱۰"^{۲۸} مطرح گردید و به مانند متممی بر طرح‌های پیشنهادی سایرین است. علاوه بر این، طرح فوق ایجادکننده تضمینی است که

۴) آژانس انعقاد توافقنامه‌های جدید با عرضه کنندگان جایگزین را تسهیل خواهد کرد.

طرح ۶ دولت گزینه‌های دارای راهکارهای بلندمدت را مورد بررسی قرار داده است. این راهکارها شامل فراهم آوردن دسترسی مطمئن به توانمندی‌های بازفراوری موجود جهت مدیریت سوخت مصرفی؛ همکاری چندجانبه در تولید سوخت تازه و مدیریت سوخت مصرفی؛ ایجاد مرکز بین‌المللی غنی‌سازی؛ و توسعه فناوری چرخه سوخت جدید که قادر به ترکیب تضمین‌های عرضه سوخت است، می‌گردد (UN Document: GOV/ INF/ 2006/10).

۴-۴- طرح پیشنهادی ژاپن

طرح ژاپن تحت عنوان "نظام ترتیبات موقتی آژانس"^{۲۶} نوعی پیشنهاد تکمیلی بر طرح ۶ دولت است. نگرانی ژاپن در مورد طرح ۶ دولت بیشتر در خصوص نحوه اجرای این طرح بود چراکه حق دولت‌ها برای استفاده از فناوری هسته‌ای جهت اهداف تجاری و نیز تضمین عرضه صرف اورانیوم با غنای پایین نادیده انگاشته خواهد شد. طرح پیشنهادی ژاپن بر خلاف طرح ۶ دولت قادر است به عنوان یک سیستم هشداردهنده

نتیجه نهایی ادامه می‌دهد (The Road to
(2010, July 2009).

۴-۶- طرح پیشنهادی آلمان

آلمان در مه ۲۰۰۶ پیشنهاد "پروژه چندجانبه غنی‌سازی پاک"^{۳۰} را مطرح نمود تا به واسطه آن، تأسیسات جدید غنی‌سازی احداث گردیده و تحت مالکیت آژانس در یک منطقه برون‌مرزری فعالیت نماید. این تأسیسات بر مبنای تجاری راه‌اندازی و اداره شده و یک کنسرسیوم یا شورای مدیریتی مستقل تأسیسات فوق را تأمین مالی خواهد کرد، البته آژانس باید تصمیم‌گیری نماید که آیا مطابق معیارهای عدم اشاعه از غنی‌سازی سوخت حمایت کند یا خیر.

مطابق نظر مقامات آلمانی، این رویکرد در صورتی که از غنی‌سازی اورانیوم جلوگیری نکند، طرحی سودمند و مؤثر خواهد بود، چراکه این طرح به لحاظ تجاری قابل دوام و به لحاظ سیاسی نسبت به عرضه سوخت بی‌طرف است و به همین دلیل می‌تواند با ارائه خدمات سوختی جدید به بازار جهانی، رقابت قابل ملاحظه‌ای به وجود آورد. در واقع، مقرون به صرفه بودن و بی‌طرفی از جمله ویژگی‌های مهم این طرح

به واسطه آن صدور مجوزهای صادراتی برای خدمات غنی‌سازی سوخت هسته‌ای تنها در صورت عدم پایبندی دولت‌ها به تعهدات عدم اشاعه ممنوع می‌گردد. این طرح می‌تواند به صورت توافقنامه دولت در برابر دولت میان دولت یا دولت‌های عرضه‌کننده و نیز دولت دریافت‌کننده با آژانس منعقد گردد.

بر این اساس، دولت عرضه‌کننده مشروط بر تصمیم آژانس مبنی بر پایبندی دولت دریافت‌کننده به تعهدات عدم اشاعه تضمین خواهد کرد که با صدور مجوز صادراتی برای عرضه سوخت به دولت‌های دریافت‌کننده موافقت نماید. در واقع، این طرح نوعی سازوکار قانونی شفاف برای تضمین بیشتر عرضه سوخت است که از طریق انعقاد توافقنامه "رضایت پیشین برای صادرات"^{۲۹} محقق می‌گردد. البته آژانس بر اساس اینکه آیا شرایط برای صدور مجوز صادرات اورانیوم با غنای پایین فراهم شده، تصمیم نهایی را اتخاذ خواهد نمود. این توافقنامه به عنوان معیار در طرح پیشنهادی انگلستان مد نظر قرار گرفته است. این طرح به شورای حکام آژانس ارائه شده است و دولت انگلستان همچنان به گفتگوها و رایزنی‌های خود در این شورا برای کسب

30. Germany's Multilateral Enrichment Sanctuary Project - MESP

29. Prior Consent to Export

فناوری هسته‌ای در زمینه اعمال محدودیت‌های بیشتر بر نقل و انتقال مواد و فناوری‌های حساس هسته‌ای و سیاست دوم، ایجاد بانک سوخت هسته‌ای برای تأمین سوخت کشورها به شکل مطمئن و در نتیجه کاهش احتمال غنی‌سازی اورانیوم به شکل بومی است. محور تمامی این سیاست‌ها، محروم کردن سایر کشورها از دسترسی به چرخه هسته‌ای و تحت فشار قرار دادن کشورهای بی‌استه است که به شکل بومی به دنبال کامل نمودن چرخه سوخت هسته‌ای هستند (ترابی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

دولت بوش در راستای پیگیری نظارت بر روند نقل و انتقال فناوری‌ها، مواد و اقلام هسته‌ای دارای کاربرد دوگانه، در سخنرانی خود در دانشگاه دفاع ملی مورخ ۱۱ فوریه ۲۰۰۴ اظهار داشت:

"جهان نیازمند مسدود کردن راه‌گریز موجود در معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است، راه‌گریزی که به دولت‌ها اجازه می‌دهد به صورت قانونی به فناوری تولید مواد هسته‌ای جهت استفاده در برنامه مخفیانه تسلیحاتی دست یابند" (Congressional Research Service, 2011, p.18)

است که به واسطه آن هرگونه توجیهی از سوی دولت‌ها برای آغاز برنامه غنی‌سازی بسیار دشوار خواهد بود. این طرح در ژوئن ۲۰۰۹ به شورای حکام آژانس ارائه گردیده و پیش‌نویس توافقنامه پروژه چندجانبه غنی‌سازی پاک [INFCIRC/765] نیز در ژوئیه ۲۰۰۹ به آژانس تسلیم شده است. این طرح تاکنون به تصویب شورای حکام نرسیده، اما در حال بررسی جدی می‌باشد (International Atomic Energy Agency, 2008).

۵. امریکا و پیگیری سازوکارهای

تقویت رژیم عدم اشاعه

۵-۱- دوران ریاست جمهوری

جرج بوش

به دنبال بروز حوادث ۱۱ سپتامبر، اعلام فعالیت‌های هسته‌ای ایران و فعالیت‌های مخفیانه شبکه عبدالقدیرخان، اهمیت سیاست عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای برای امریکا به صورت فزاینده‌ای افزایش یافت. به همین دلیل دولت بوش برای ممانعت از هسته‌ای شدن سایر کشورها و کاهش احتمال ایجاد تروریسم هسته‌ای، دو سیاست راهبردی در این حوزه را اتخاذ نمود. سیاست اول، ایجاد توافق بین کشورهای دارای

وی در همین رابطه پیشنهاد نمود که اعضای "گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای"^{۳۱} باید از فروش فناوری‌ها و تجهیزات غنی‌سازی و بازفرآوری به کشورهای فاقد تأسیسات بازفرآوری و غنی‌سازی کامل اجتناب ورزند. بوش خواستار آن شد که صادرکنندگان عمده خدمات سوخت هسته‌ای تضمین نمایند که دولت‌ها قادر خواهند بود با قیمتی مناسب به سوخت هسته‌ای برای راکتورهای غیرنظامی خود در صورت صرف‌نظر کردن از غنی‌سازی و بازفرآوری بومی دسترسی یابند.

در مجموع، طرح پیشنهادی بوش شامل موارد زیر می‌گردد:

- انصراف دولت‌ها از چرخه سوخت هسته‌ای؛
- پذیرش پروتکل الحاقی و سایر محدودیت‌های آژانس؛
- تضمین بازگرداندن زباله‌های هسته‌ای؛
- تضمین نظارت بیشتر بر صادرات کالا و مواد حساس؛
- حق فسخ یک‌جانبه قرارداد از سوی امریکا.

سیاست دوم دولت بوش یعنی ایجاد بانک سوخت هسته‌ای تحت نظارت آژانس

بین‌المللی انرژی اتمی با هدف تشویق کشورها برای انصراف از دستیابی به چرخه سوخت کامل هسته‌ای مطرح گردید. هدف اصلی این طرح، ایجاد یک مرکز غنی‌سازی اورانیوم بود که مسئولیت تأمین سوخت کشورها را برعهده گرفته و تضمین‌های لازم را در این زمینه به تمامی کشورها ارائه دهد. متعاقب طرح این پیشنهاد، بی‌درنگ بسیاری از کشورها، سازمان‌ها و کارشناسان پیشنهادهاى مختلفى را برای ایجاد بانک سوخت هسته‌ای ارائه دادند؛ اما دولت بوش با ردّ تمامی طرح‌های ارائه شده، تنها با پیشنهاد ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در روسیه و امریکا تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موافقت نمود. پیشنهاد امریکا در این زمینه، ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در خاک امریکا بود که اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا را برای مصرف کشورها به اورانیوم با غنای پایین تبدیل می‌نمود. طرح روسیه نیز ایجاد "مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم" تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را شامل می‌گردید که قرار شد در منطقه‌ای در سیبری در "آنگارسک" ایجاد شود. دولت بوش بر این باور بود که ایجاد بانک سوخت می‌تواند باعث ایجاد "سازوکار جمعی برای تأمین مطمئن

برعهده گرفت که شرایط مورد نظر امریکا مبنی بر صرف نظر کردن از چرخه سوخت بومی را پذیرفته باشند. قراردادهای هسته‌ای اخیر امریکا با برخی کشورهای خاورمیانه از جمله امارات متحده عربی، اردن، عربستان در چارچوب این طرح منعقد گردیده‌اند و هدف اصلی امریکا از پیگیری یک چنین قراردادهایی به ویژه در منطقه خاورمیانه، جلوگیری از الگو قرار گرفتن برنامه و فعالیت‌های هسته‌ای بومی ایران برای این دسته از کشورهای منطقه است.

۵-۲- دوران ریاست جمهوری باراک اوباما

سیاست هسته‌ای امریکا با روی کار آمدن باراک اوباما دچار تغییرات قابل توجهی شد، هرچند ارزیابی میزان این تغییرات در عمل نیازمند گذر زمان است. اوباما نیز به طور جدی از طرح پیشنهادی دولت بوش و افزایش نظارت بین‌المللی بر نقل و انتقال فناوری، مواد و اقلام حساس هسته‌ای دارای کاربرد دوگانه و ایجاد بانک سوخت هسته‌ای حمایت می‌نمود. اوباما ضمن آگاهی از برخی مخالفت‌ها با سیاست‌های هسته‌ای دولت بوش تلاش کرد تا با پیگیری رویکردهای جدید همچون حمایت و تأکید علنی بر خلع سلاح جهانی در سخنرانی مورخ ۵ آوریل

دسترسی به سوخت هسته‌ای^{۳۲} شود، در نتیجه این طرح می‌تواند بهانه را از دست کشورهای خواهان انرژی هسته‌ای بومی هستند، بگیرد (ترابی، ۱۳۸۹، صص ۲۳-۲۲).

به نظر می‌رسد پیشنهاد بوش در میان کلیه پیشنهادات مطروحه، تنها پیشنهاد در این دوران بود که صراحتاً از کشورها می‌خواست تا از پیگیری غنی‌سازی یا فناوری‌های بازآوری در قبال دسترسی مطمئن به سوخت هسته‌ای اجتناب ورزند. این در حالی است که پیشنهاد بوش نوعی تلاش در جهت محدود ساختن حقوق غیرقابل انکار دولت‌ها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مطابق ماده ۴ معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. به تعبیری، پیشنهاد بوش نوعی قاعده‌سازی در عرصه بین‌المللی جهت پیشبرد اهداف کشورهای هسته‌ای به ویژه در زمینه حفظ انحصار هسته‌ای و عدم انتقال فناوری‌های حساس هسته‌ای به کشورهای غیرهسته‌ای تلقی می‌گردد.

امریکا با طرح این پیشنهاد تنها تعهدات محدودی از جمله تأمین عرضه سوخت تحت نظارت آژانس و نیز ارائه کمک‌های فنی برای احداث نیروگاه‌های هسته‌ای در کشورهای را

32. Multilateral Mechanism for Reliable Access to Nuclear Fuel (RANF)

۲۰۰۹ در پراگ نه تنها از میزان مخالفان سیاست‌های هسته‌ای امریکا بکاهد، بلکه نوعی اجماع جهانی برای پیشبرد اهداف و منافع ملی کشور متبوع خود پدید آورد.

اوباما تلاش کرد تا با ارائه ایده جهان عاری از سلاح‌های هسته‌ای به انتقادات کشورهای غیرهسته‌ای مبنی بر لزوم پیگیری تعهدات خلع‌سلاحی توسط کشورهای هسته‌ای پاسخ دهد؛ بدین معنا که با اتخاذ رویکردی مثبت در این زمینه با موفقیت هرچه بیشتر به اهداف اصلی خود یعنی توسعه همکاری‌های بین‌المللی و چندجانبه جهت ایجاد بانک سوخت هسته‌ای و ترغیب کشورهای غیرهسته‌ای به انصراف داوطلبانه از چرخه سوخت بومی دست یابد. اوباما در سخنرانی خود در پراگ بر موارد مهم زیر تأکید کرد:

"ما باید چارچوب جدیدی برای استفاده از انرژی هسته‌ای ایجاد نماییم؛ چارچوبی که در آن بر تأمین سوخت مورد نیاز تمامی کشورها از طریق بانک سوخت هسته‌ای تأکید شده باشد. تمامی کشورها حق داشتن انرژی هسته‌ای را دارند، اما این امر باید با انکار تلاش برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای همراه باشد؛ بنابراین اگرچه گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای با توجه به مشکلات زیست

محیطی باید در اولویت ما باشد؛ اما این امر نباید منجر به دستیابی کشورهای بیشتری به سلاح‌های هسته‌ای گردد. در نتیجه طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای برای تأمین سوخت تمامی کشورها بهترین ایده در این زمینه محسوب می‌شود" (ترابی، ۱۳۸۹، ص ۳۶).

ناکامی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کشف به هنگام فعالیت‌های پنهان هسته‌ای عراق و نگرانی از تکرار مجدد آن در خصوص سایر کشورها به همراه شکست سیاست‌های خلع‌سلاحی دولت بوش به‌واسطه آزمایش‌های اتمی کره‌شمالی موجب شد تا دولت اوباما در راستای تقویت رژیم عدم اشاعه، فعالیت گسترده‌ای را برای تقویت نظام راستی‌آزمایی در قالب رویکردی چندجانبه انجام دهد که متفاوت از رویکرد دولت بوش بود.

با توجه به ناکارآمدی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرای دولت بوش برای مبارزه با صادرات و اشاعه مواد هسته‌ای، سیاست‌مداران امریکایی در دولت اوباما به این نتیجه رسیدند که کشورهای هسته‌ای زمانی در امر هنجارسازی در حوزه خلع‌سلاح برای کشورهای غیرهسته‌ای، موفق خواهند بود که امریکا آشکارا بر تحقق ایده جهانی

عاری از سلاح‌های هسته‌ای در یک چارچوب چندجانبه تأکید کند. از همین رو، امریکا در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما تلاش کرد تا با اتخاذ دیپلماسی فعال در راستای تحقق ایده جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و نیز تجدید حیات نظم هسته‌ای آتی جهان از طریق تقویت رژیم عدم اشاعه و نظام راستی‌آزمایی، رهبری جهانی امریکا را از طریق تأکید بر پایبندی این کشور به تعهدات بین‌المللی خود احیا نماید (دولت‌خواه، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

دولت اوباما برای پیشبرد سیاست‌ها و رویکردهای چندجانبه خود به ویژه تقویت رژیم عدم اشاعه و نظام راستی‌آزمایی، مقابله با تهدیدات ناشی از تروریسم هسته‌ای، مبارزه با قاچاق مواد هسته‌ای و ... در عرصه جهانی چاره‌ای جز همراهی روسیه نداشت، به همین دلیل تلاش کرد تا از طرق مختلف این همراهی را به دست آورد. در همین راستا، امریکا به روسیه پیشنهاد کرد تا مذاکرات دو کشور در مورد آینده پیمان START I - که در نهایت منجر به انعقاد معاهده استارت جدید شد - از سر گرفته شود. همچنین این کشور از طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در روسیه حمایت کرد و نسبت به تغییر سیاست هایش در مورد

استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی (کشورهای چک و لهستان) اقدام نمود. همراهی روسیه با امریکا از یک طرف می‌تواند از شدت انتقادات کشورهای غیرهسته‌ای نسبت به سیاست‌ها و طرح‌های هسته‌ای امریکا بکاهد و از طرف دیگر درآمدهای هنگفتی را به جهت میزبانی بانک سوخت و مشارکت در طرح‌های هسته‌ای امریکا با کشورهای طرف قرارداد این کشور نصیب روسیه کند. امریکا در راستای تحقق عملی طرح پیشنهادی جرج بوش و جلوگیری از الگو قرار گرفتن فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای کشورهای منطقه درصد برآمده تا با هریک از کشورهای عربی منطقه خاورمیانه از جمله امارات متحده عربی، عربستان و اردن قراردادهای هسته‌ای منعقد سازد. مطابق این قراردادها، کشورهای طرف قرارداد امریکا در قبال دریافت کمک‌های فنی برای ساخت راکتور و تأمین سوخت مورد نیاز راکتورها از هرگونه دستیابی به چرخه سوخت بومی چشم‌پوشی خواهند کرد و در حقیقت از حق غیرقابل انکار خود تحت ماده ۴ معاهده ان‌پی‌تی محروم خواهند شد. از میان کشورهای فوق، امارات با شروط امریکا موافقت نموده و به همین دلیل امریکا درصد است تا قرارداد هسته‌ای خود با

امارات را به عنوان الگویی برای کل کشورهای منطقه خاورمیانه معرفی و پیاده نماید، هرچند به نظر نمی‌رسد الگوی امارات مورد پذیرش کشورهای منطقه واقع شود. در مجموع، روسیه امیدوار است از شرایط به وجود آمده در جهت تأمین اهداف و منافع ملی خود در سطح بین‌المللی بهره‌جوید که از جمله این اهداف، تحقق ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در خاک این کشور است.

توسط این نهاد بین‌المللی اداره خواهد شد. بانک سوخت دارای ذخیره‌ای معادل ۱۲۰ تن اورانیوم با غنای پایین - بین ۲ تا ۴/۵ درصد - است و به منظور تأمین سوخت راکتورهای آب‌سبک به ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات ایجاد گردیده و معمولاً ۳ بار در سال سوخت‌گیری می‌کند. روسیه بانک سوخت را در فهرست تأسیسات خود جای داده تا این تأسیسات نیز تحت پادمان آژانس قرار گیرند (Horner, 2011).

۶- بانک جهانی سوخت هسته‌ای: تحدید ماده ۴ معاهده ان.پی.تی

در نتیجه تلاش‌های بین‌المللی کشورهای هسته‌ای از جمله امریکا نهایتاً شورای حکام آژانس در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ به مدیرکل اجازه داد تا توافقنامه‌ای را با روسیه در خصوص ایجاد ذخیره سوخت در آنگارسک به امضا رساند. مدیرکل نیز در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۰ بازگشایی ذخیره سوخت را مورد بررسی قرار داد و در نهایت در اجلاس ۳ دسامبر ۲۰۱۰ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأسیس بانک سوخت اورانیوم با غنای پایین را با رأی مثبت، ۶ رأی ممتنع و غیبت پاکستان به تصویب رساند. این بانک تحت مالکیت آژانس بوده و

دولت‌ها در صورت برخورداری از شرایط زیر و بنا به تصمیم‌گیری مدیرکل آژانس می‌توانند به سوخت بانک دسترسی یابند. این شرایط عبارت‌اند از:

- دولتی که با توقف عرضه سوخت روبه‌رو شده و قادر به دریافت سوخت از بازار تجاری یا سایر راه‌ها نمی‌باشد.
- دولتی که با موارد انحراف یا عدم اجرای پادمان‌ها مواجه نبوده است.
- دولتی که همچنان به توافقنامه جامع پادمان با آژانس پایبند است.
- علاوه بر موارد فوق، دولت دریافت‌کننده، هزینه سوخت دریافتی را باید پیش از انتقال سوخت و مطابق نرخ بازار به آژانس پرداخت نماید.

کنگره امریکا "سام نان"^{۳۳} با همکاری رئیس سازمان "ابتکار عمل تهدید هسته‌ای"^{۳۴} اعلام نمود که این سازمان به پرداخت ۵۰ میلیون دلار به بانک هسته‌ای تحت مالکیت و مدیریت آژانس جهت تهیه ذخایر اورانیوم با غنای پایین متعهد شده است. به اعتقاد کارشناسان این مؤسسه، ایجاد یک چنین ذخیره‌ای می‌تواند عرضه بین‌المللی سوخت هسته‌ای به دولت‌های دریافت‌کننده سوخت را به صورت غیرتبعیض‌آمیز و غیرسیاسی تضمین نماید. متعاقب اقدام سازمان "ابتکار عمل تهدید هسته‌ای"، کنگره امریکا نیز در دسامبر ۲۰۰۷، مبلغ ۵۰ میلیون دلار جهت کمک به تهیه ذخیره اورانیوم برای بانک جهانی سوخت هسته‌ای به تصویب رساند. پس از آن به ترتیب دولت نروژ در فوریه ۲۰۰۸ مبلغ ۵ میلیون دلار، دولت امارات متحده عربی در اول اوت ۲۲۸ مبلغ ۱۰ میلیون دلار، اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۸ مبلغ ۲۵ میلیون دلار و دولت کویت در مارس ۲۰۰۹ مبلغ ۱۰ میلیون دلار به بانک مذکور اختصاص دادند (Pomper, 2009).

در مجموع، کشورهای قادر به دریافت سوخت از این بانک خواهند بود که درصد توسعه توانمندی‌های غنی‌سازی بومی

در رابطه با میزبانی بانک سوخت و با توجه به رقابت اکثر کشورها برای دریافت میزبانی به دلیل منافع اقتصادی حاصل از آن، لازم به ذکر است که دولت قزاقستان در مه ۲۰۰۹ و نیز در ژانویه ۲۰۱۰ به آژانس اطلاع داد که تمایل به میزبانی بانک سوخت در کشور خود دارد. هنوز تصمیم مشخصی در این رابطه اتخاذ نگردیده و تحقق نهایی آن نیز مستلزم انعقاد توافقنامه‌ای میان دولت میزبان و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است (Coleman, 2010).

با توجه به طرح پیشنهادهای مبنی بر میزبانی بانک سوخت، به نظر می‌رسد کسب اعتبار بین‌المللی تنها یکی از دلایل رقابت تنگاتنگ کشورها برای دریافت میزبانی چنین پروژه مهم بین‌المللی است، در حالی که منافع اقتصادی و تجاری مهم‌ترین دلیل فعالیت جدی کشورها در این زمینه می‌باشد. در همین رابطه، تا زمانی که شمار زیادی متقاضی سوخت وجود دارد، منابع مالی هنگفتی نیز نصیب کشور عرضه‌کننده سوخت خواهد شد.

بانک سوخت هسته‌ای آژانس فعالیت خود را از طریق تعهدات مالی اعطاکنندگان آغاز نمود. در سپتامبر ۲۰۰۶، سناتور پیشین

اورانیوم نباشند. این در حالی است که براساس ماده ۴ معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای " کلیه اعضای این معاهده متعهد می‌گردند تبادل هر چه کامل‌تر تجهیزات، مواد و اطلاعات فنی و علمی جهت استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را تسهیل نموده و از حق شرکت در این مبادلات نیز برخوردارند. کشورهای عضوی که از یک چنین شرایطی برخوردارند، باید به تنهایی یا به همراه سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه هرچه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز به ویژه در قلمرو دولت‌های غیرهسته‌ای عضو معاهده و با توجه به نیازهای مناطق در حال توسعه جهان مشارکت نمایند". معنای ضمنی این ماده آن است که دولت‌های هسته‌ای باید نسبت به ارائه مساعدت‌های لازم به درخواست دولت‌های غیرهسته‌ای برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای متعهد باشند، حال آنکه با تأسیس بانک سوخت و لزوم احراز شرایطی خاص توسط دولت‌های غیرهسته‌ای، حق این گروه از کشورها برای برخورداری از فناوری هسته‌ای نادیده انگاشته می‌شود.

دولت‌های هسته‌ای از دیرباز تلاش نموده‌اند تا در راستای دستیابی به اهداف

خود، نگرانی‌ها و تهدیدات اشاعه هسته‌ای را متوجه دولت‌های غیرهسته‌ای نموده و به واسطه مانور تبلیغاتی گسترده هرگونه دستیابی دولت‌های غیرهسته‌ای به چرخه سوخت هسته‌ای بومی جهت استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را هم‌ردیف با تلاش برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای قرار دهند.

کشورهای غیرهسته‌ای از یک سو به موجب ماده ۳ معاهده ان‌پی‌تی تحت نظارت نظام پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر برخلاف ماده ۴، از تبادل کامل تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات تکنولوژیکی برای اهداف صلح‌آمیز هسته‌ای محروم می‌شوند. در مقابل، کشورهای هسته‌ای به‌رغم عدم پایبندی به تعهدات مندرج در مواد ۱، ۲ و ۴ ان‌پی‌تی در قبال کشورهای غیرهسته‌ای و تأکید بر حفظ، نگهداری و گسترش زرادخانه‌های هسته‌ای، همواره اعمال فشار و محدودیت‌های بیشتری را بر کشورهای که به‌دنبال فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای هستند، هدف اصلی خود در حوزه عدم اشاعه قرار می‌دهند.

کشورهای غیرهسته‌ای همواره نسبت به خطر تضعیف رژیم عدم اشاعه نگرانی‌هایی

خلع سلاح، مشکلات و معضلاتی را پدید آورده‌اند.

۷- جمهوری اسلامی ایران و بانک جهانی سوخت هسته‌ای

ایران معتقد است که تشکیل بانک جهانی سوخت هسته‌ای، تلاشی در جهت منصرف ساختن کشورهای غیرهسته‌ای به ویژه ایران از دستیابی به دانش و فناوری چرخه سوخت هسته‌ای و تکمیل این چرخه برای تولید سوخت بومی می‌باشد. مخالفت با انحصار دانش و فناوری هسته‌ای از سوی کشورهای هسته‌ای و نیز هرگونه اقدام منجر به آپارتاید هسته‌ای از جمله مواضع آشکار و اصولی ایران در حوزه خلع سلاح و عدم اشاعه به شمار می‌آید. ایران طرح چنین پیشنهادهایی از سوی کشورهای هسته‌ای را تبعیض آمیز و در تعارض با حقوق غیرقابل انکار کشورهای غیرهسته‌ای عضو معاهده ان پی تی دانسته و همواره بر این مسئله تأکید کرده است که هرگونه طرح پیشنهادی از سوی کشورهای هسته‌ای باید حقوق هسته‌ای کشورهای غیر هسته‌ای در زمینه برخورداری از دانش و فناوری صلح آمیز هسته‌ای و نیز تحقیق و توسعه را دربرگیرد.

تجربه ایران از همکاری‌های هسته‌ای قبل از انقلاب اسلامی گویای عدم پایبندی

دارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: عدم پایبندی کشورهای هسته‌ای به تعهدات خلع سلاحی خود مطابق مواد ۱ و ۶ معاهده ان پی تی؛ اعمال معیارهای دوگانه و تبعیض آمیز از سوی کشورهای هسته‌ای نسبت به کشورهای غیرهسته‌ای با هدف محروم ساختن آنها از حقوق مشروع خود؛ حفظ و نوسازی زرادخانه‌های هسته‌ای؛ انحصاری ساختن دسترسی به فناوری‌های هسته‌ای برای کشورهای هسته‌ای و برخی متحدان آنها حتی اعضای غیر عضو ان پی تی؛ نقض ماده ۴ ان پی تی از سوی برخی کشورها به رغم تأکید آن بر انتقال فناوری‌های هسته‌ای؛ و احتمال گسترش تهدیدهای هسته‌ای در نتیجه تداوم مسابقه تسلیحات هسته‌ای.

به اعتقاد کشورهای غیرهسته‌ای، اصول و اهداف معاهده ان پی تی زمانی به صورت غیر تبعیض آمیز تحقق می‌یابد که رویکردهای تجدیدنظر طلبانه‌ای از سوی جامعه جهانی اتخاذ شود. از جمله این رویکردها می‌توان به ضمانت اجرای جدی برای ارزیابی میزان راستی آزمایی تعهدات کشورهای اشاره کرد که مواد مختلف معاهده را نقض می‌کنند. در رأس ناقضان معاهده، کشورهای هسته‌ای قرار دارند که به دلیل عدم رعایت ماده ۶ در مورد

کشورهای هسته‌ای به تعهدات خود است. ایران در دوره قبل از انقلاب موافقتنامه‌های همکاری هسته‌ای با آمریکا در سال ۱۹۷۴ و با آلمان و فرانسه در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ به امضا رسانده بود. ایران حتی در آن دوران ۴۰ درصد از سهام شرکت فرانسوی سوئیدیف و ۱۰ درصد سهام کارخانه غنی‌سازی اورانیوم یورودیف را خریداری نمود تا اورانیوم مورد نیاز کشور را تأمین کنند. با وجود این، نه تنها یورودیف اورانیومی در اختیار ایران قرار نداد، بلکه آمریکا نیز به‌رغم وجود موافقتنامه هسته‌ای با ایران به تعهدات خود برای تحویل سوخت هسته‌ای عمل نکرد (هدایتی‌خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷).

ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز همزمان با افشاگری گروهک منافقین علیه فعالیت‌های هسته‌ای با موجی از فشارهای سیاسی و اقتصادی مواجه شد. طرح پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و متعاقب آن، ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ و صدور یک بیانیه در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ (۹ فروردین ۱۳۸۵) و شش قطعنامه شامل قطعنامه ۱۶۹۶ در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ (۹ مرداد ۱۳۸۵)، قطعنامه ۱۷۳۷ در ۲۳

دسامبر ۲۰۰۶ (۲ دی ۱۳۸۵)، قطعنامه ۱۷۴۷ در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ (۴ فروردین ۱۳۸۶)، قطعنامه ۱۸۰۳ در ۳ مارس ۲۰۰۸ (۱۳ اسفند ۱۳۸۶)، قطعنامه ۱۸۳۵ در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ (۶ مهر ۱۳۸۷) و قطعنامه ۱۹۲۹ در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۹ خرداد ۱۳۸۹) که به استثنای قطعنامه ۱۶۹۶ مابقی قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران هستند، از جمله اقدامات گسترده جامعه جهانی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد که همگی نشان‌دهنده تداوم ملاحظات سیاسی کشورهای هسته‌ای برای ممانعت از دستیابی ایران به دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و برخورداری از چرخه سوخت هسته‌ای جهت تأمین سوخت راکتورهاست.

تجربه ایران در هر دو دوره بیانگر آن است که کشورهای هسته‌ای در هر برهه‌ای از تاریخ بنا به ملاحظات سیاسی از پایبندی به تعهدات هسته‌ای خود در قبال ایران سرباز زده‌اند. به همین دلیل، هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که ایران با توقف برنامه هسته‌ای و به تبع آن چرخه سوخت هسته‌ای بتواند سوخت مورد نیاز راکتورهای خود را تأمین نماید. بنابراین، آنچه مشخص است مخالفت ایران نه با تشکیل بانک جهانی سوخت هسته‌ای بلکه با رویکرد و برخورد سیاسی،

تبعیض آمیز و دوگانه کشورهای هسته‌ای و احتمالاً بهره‌برداری سیاسی و امنیتی از آن به عنوان ابزار اعمال فشار جهت دستیابی به اهداف خود یعنی انحصار هسته‌ای و جلوگیری از تبدیل شدن ایران به عنوان الگویی برای کشورهای غیرهسته‌ای است.

فرجام

بروز تحولات گسترده طی سال‌های اخیر همچون قاچاق غیرقانونی مواد، فناوری‌ها و اقلام حساس هسته‌ای دارای کاربرد دوگانه توسط شبکه‌های قاچاق و احتمال استفاده از آن توسط گروه‌های تروریستی، آشکار شدن فعالیت‌های گسترده هسته‌ای عراق، لیبی، کره شمالی و نیز دستیابی ایران به چرخه سوخت بومی، بسیاری از کشورهای هسته‌ای را برآن داشت تا بر تقویت نظام پادمان آژانس و در مجموع رژیم عدم اشاعه تأکید نمایند. زیرا با بروز این تحولات، نظام پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها بود به نوعی زیر سؤال رفت و لذا از این جهت ضرورت داشت تا به واسطه اقدام جمعی کشورها زمینه تقویت نظام پادمانی آژانس فراهم آید.

پیشنهادات و طرح‌های ارائه شده توسط کشورها به صورت انفرادی یا جمعی، نهادها و

اشخاص عالی‌رتبه بین‌المللی بیش از آنکه تقویت‌کننده نظام پادمان آژانس باشد، ایجادکننده رویکردی جدید با هدف اعمال محدودیت‌های بیشتر بر دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به چرخه سوخت بومی و نیز تضمین عرضه بین‌المللی سوخت هسته‌ای بوده و هست. بنابراین، این گونه استنباط می‌گردد که تقویت نظام پادمان آژانس احتمالاً بهانه‌ای بوده تا کشورهای هسته‌ای در رویکردی جدید و تبعیض آمیز، حق غیرقابل انکار کشورها تحت ماده ۴ معاهده ان‌پی‌تی را نادیده انگاشته و از طرق سازوکارهای چندجانبه مانع از دستیابی آنها به فناوری غنی‌سازی و بازفرآوری شوند. در نتیجه این امر، کشورهای غیرهسته‌ای به مصرف‌کنندگان سوخت بین‌المللی تبدیل خواهند شد که نه تنها به واسطه آن از تعاملات سیاسی آتی دور خواهند ماند، بلکه به لحاظ ساختاری نیز همواره به سوخت بین‌المللی وابسته خواهند بود. از آنجا که عرضه سوخت بین‌المللی هسته‌ای از طریق سازوکارهای چندجانبه همواره خالی از شائبه‌های سیاسی نبوده است، از این رو امکان توقف عرضه به کشورهای مصرف‌کننده بنا به دلایل سیاسی بعید و دور از ذهن نیست. در واقع، کشورهای هسته‌ای قادر

خواهند بود از گزینه عرضه سوخت هسته‌ای به کشورهای دریافت‌کننده به عنوان ابزار اعمال فشار برای پیشبرد اهداف و منافع خود بهره‌جویند.

کشورهای هسته‌ای تا پیش از تأسیس بانک جهانی سوخت هسته‌ای همواره بر عدم دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به سلاح هسته‌ای طبق مفاد معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای تأکید داشتند، اما با تأسیس این بانک فراتر از تعهدات مندرج در این معاهده گام برداشته و درصدد هستند تا با اعمال محدودیت‌های بیشتر، از دستیابی کشورهای غیرهسته‌ای به چرخه سوخت بومی نیز ممانعت به عمل آورند. این مسئله معنایی جز تداوم انحصار هسته‌ای کشورهای هسته‌ای، ممانعت از توسعه پیشرفت‌های صنعتی، کشاورزی، پزشکی و علمی کشورهای غیرهسته‌ای و نیز ایجاد شکاف و فاصله‌ای عمیق میان کشورهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای به شکلی نابرابر و تبعیض‌آمیز ندارد. در واقع، کشورهای هسته‌ای سعی دارند تا با تأکید بر تعهدات کشورهای غیرهسته‌ای، تعهدات خلع‌سلاحی خود را به حاشیه برانند و از پیگیری جدی آن امتناع ورزند.

به نظر می‌رسد کشورهای غیرهسته‌ای در صورتی که نتوانند به دور از هرگونه اختلافی با یکدیگر راهکارها و سازوکارهای منسجم و واحدی را برای مقابله با این رویکرد چندجانبه ارائه دهند، حقوق طبیعی آنها ذیل معاهده ان‌پی‌تی به واسطه شکل‌گیری رژیم جدیدی با هدف محدود ساختن دستیابی آنها به چرخه سوخت بومی بیش از پیش در معرض تهدید و نقض قرار خواهد گرفت. بنابراین، کشورهای غیرهسته‌ای تا زمانی که این رژیم جدید به واسطه پذیرش جمعی نهادینه نگشته است، می‌توانند از طریق پافشاری بر مواضع اصولی خود به ویژه در قالب جمعی و گروهی مانع از ایجاد نوعی اجماع جهانی علیه حقوق طبیعی خود گردند.

اگرچه امروزه کشورهای همچون امارات متحده عربی، عربستان و قطر با شرط دریافت سوخت در قبال صرف‌نظر کردن از چرخه سوخت بومی اعلام موافقت نموده‌اند اما در این میان کشورهایی وجود دارند که حاضر نیستند به راحتی از حقوق طبیعی خود چشم‌پوشی کنند. از این رو، موفقیت بانک جهانی سوخت هسته‌ای و چشم‌انداز آتی آن به جهت اختلاف‌نظر کشورهای مختلف در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اگرچه بسیاری از

۴. دولت‌خواه، زهرا (۱۳۸۸)، "مهم‌ترین موضوعات خلع‌سلاحی جهان از نگاه کنفرانس بین‌المللی کارنگی"، *گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک*، سال پنجم، ش ۲۳۶.
۵. هدایتی‌خمینی، عباس (۱۳۸۶)، "سوابق همکاری‌های هسته‌ای ایران و فرانسه"، در *تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان*، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

منابع لاتین

6. Carranza, Mario E. (December 2006). Can the NPT Survive? The Theory and Practice of US Nuclear Non-Proliferation Policy after September 11, *Contemporary Security Policy*, Vol. 27, No. 3.
7. Coleman, Michael (2010). *Fuel Bank Proposal Gets International Traction*, Retrieved May 17, 2011, available at: http://nuclearsafeworld.com/wt_page1.htm
8. Congressional Research Service (2011, March 2). *Managing the Nuclear Fuel Cycle: Policy Implications of Expanding Global Access to Nuclear Power*, Retrieved May 18, 2011, available at: www.fas.org/sgp/crs/nuke/RL34234.pdf
9. Horner, Daniel (2011). *IAEA Board Approves Fuel Bank Plan*, Retrieved May 11, 2011, available at: www.armscontrol.org/act/2011_01-02/Fuel%20Bank
10. International Atomic Energy Agency (2009). *Multilateral Fuel Bank Proposal Research*

کشورهای هسته‌ای تلاش دارند تا همراهی و مشارکت کشورهای غیرهسته‌ای را در این رابطه به دست آورند، اما دستیابی به یک چنین هدفی آسان نیست و احتمالاً چالش‌های بسیاری را به همراه خواهد داشت.

پانویس

۱. ابتکار عمل تهدید هسته‌ای، سازمانی واقع در شهر واشنگتن است که هدف اصلی آن، کاهش تهدیدات سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی می‌باشد و توسط شورای بین‌المللی مدیرانی از کشورهای چین، فرانسه، هند، ژاپن، پاکستان، روسیه، سوئد، انگلیس و آمریکا اداره می‌شود.

منابع فارسی

۱. بلیس، جان، اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی ... [و دیگران]، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲. ترابی، قاسم (۱۳۸۹)، "سیاست هسته‌ای آمریکا و راهبرد شورای همکاری خلیج‌فارس"، *نامه دفاع*، ش ۲.
۳. حسینی، محمدتقی (۱۳۸۶)، "بعد از پروتکل: طرح‌های تقویت پادمان"، در: *پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران*، گردآوری و تنظیم: سیدحسین موسویان، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل.

- International Nonproliferation Conference*, Retrieved May 12, 2011, available at: http://www.carnegieendowment.org/files/fuel_assurances_rauf.pdf
17. *The Road to 2010: Addressing the Nuclear Question in the 21st Century* (2009, July). , Retrieved May 10, 2011, available at: <http://www.cabinetoffice.gov.uk/reports/roadto2010.aspx>
18. UN Document: GOV/INF/2006/10, date 31 May 2006, Retrieved May 17, 2011, available at: www.pub.iaea.org/MTCD/Meetings/PDFplus/2006/cn147_ConceptRA_NF.pdf
- Key Milestone*, Retrieved May 1, 2011, available at: www.iaea.org/newscenter/news/2009/fbankmilestone.html
11. International Atomic Energy Agency (2005). *Expert Group Releases Findings on Multilateral Nuclear Approaches*, Retrieved May 17, 2011, available at: www.iaea.org/newscenter/news/2005/fuelcycle.html
12. International Atomic Energy Agency (2007, June). *Possible New Framework for the Utilization of Nuclear Energy: Options for Assurance of Supply of Nuclear Fuel*, Retrieved May 20, 2011, available at: <http://www.iaea.org/newscenter/news/2007/nuculenframework.html>
13. International Atomic Energy Agency (2008). *Germany Outlines Multiparty Approach to Nuclear Fuel Cycle*, Retrieved May 2, 2011, available at: http://www.iaea.org/newscenter/news/2008/germany_nfc.html
14. Lavoy, Peter (2003). *The Enduring Effects of Atoms for Peace*, Retrieved May 13, 2011, available at: www.armscontrol.org/act/2003_12/Lavoy
15. Pomper, Miles (2009). *EU Pledges Funds for IAEA Fuel Bank*, Retrieved May 11, 2011, available at: www.armscontrol.org/act/2009_01-02/EUfuelbank
16. Rauf, Tariq (2007, June 24). "Realizing Nuclear Fuel Assurances: Third Time's the Charm", *Presentation to the Carnegie*